



دومین نکته این بود که مسئولیت حقوق عمومی به عنوان یک دانش کلان و یکی از زیرشاخه‌های علوم اجتماعی در فضای دانشگاهی دنیا پاسخگویی به چالش‌های کلان حقوقی کشور است و از بعد کلان و عمومی به معنای عام یکسری مسائل عمومی هر کشور و هر جامعه و هر نظام حقوقی را پاسخ می‌دهد. در ایران من ادبیات منسجم و تدوین شده‌ای را درباره اینکه اگر حقوق عمومی بخواند به مسائل انقلاب و جامعه اسلامی پاسخ دهد چه باید بکند، ندیده‌ام و برای همین در این کتاب حقوق عمومی را به عنوان دانش نظام‌ساز مطرح کرده‌ام. این موضوع از باب این دغدغه بود که آیا می‌توانیم اصلاً از حقوق عمومی به عنوان دانش کلان برای پاسخگویی به مسائل انقلاب اسلامی استفاده کنیم و اگر بناست استفاده کنیم، چه رویکردی باید داشته باشیم. این هم نکته دیگری بود که برای تدوین این کتاب انگیزه شد.

نکته سوم تلاش برای ارائه یک ساختار پژوهشی در این زمینه برای مخاطبان و دانشجویان و حتی استادان بود و اگرچه ابتدای این کتاب را با رویکرد پژوهشی تدوین کردم؛ اما در تدوین ساختار و نکاتش این توجه را داشتم که بتواند به عنوان یک اثر آموزشی هم در مقاطع دانشگاهی و برای دروسی مانند مبانی حقوق عمومی استفاده شود. این‌ها عمده آن دغدغه‌هایی بود که باعث شد من دست به تألیف این کتاب بزنم.

کتابی با این عنوان تألیف کنید؟

از زمانی که خودم دانشجوی کارشناسی در رشته حقوق بودم، علاقه‌مند گرایش حقوق عمومی بودم و مطالعاتی داشتم و سپس هم در مقطع ارشد و دکتری، حقوق عمومی را ادامه دادم، چند نکته و چالش اصلی در این مباحث می‌دیدم که به من انگیزه داد تا این کتاب را تألیف کنم.

نخست اینکه خود حقوق عمومی در ایران به عنوان یک دانش، فن و هر آنچه در نظر بگیریم، روشن و شفاف و دقیق نبود؛ یعنی ما با هر منابع مطالعاتی مواجه می‌شدیم، می‌دیدیم که این منابع مطالعاتی بیشتر یک حرف خیلی کلی و ساده پیرامون حقوق عمومی مطرح می‌کند و هیچ نگاه پژوهشگرانه‌ای درباره آثار وجود ندارد. مثلاً ندیدیم که یک نفر بررسی کند و بگوید که این حقوق عمومی اصلاً چیست؟ جایگاهش کجاست؟ چه تعاریفی در آن به نسبت مکاتب علمی دنیا وجود دارد. در نظام‌های حقوقی دنیا، حقوق عمومی را چه می‌دانند و چه نگاهی به آن دارند و چه جایگاهی در هندسه معرفتی و دانشی آن‌ها دارد. پاسخ به چنین سؤالاتی را در هیچ‌کدام از کتاب‌های تألیفی در کشور پیدا نمی‌کردیم. یک تعریف کلیشه‌ای و همیشگی وجود داشت که همواره آن را مطرح می‌کردند؛ اینکه حقوق عمومی به رابطه بین مردم و حکمرانان می‌پردازد، این تعریف کلیشه‌ای در تمام کتاب‌های ترجمه شده یا کتاب‌های تألیفی ایران به چشم می‌خورد.

ما در این کتاب بررسی کرده‌ایم که دانش حقوق عمومی دانش نوپای عمیقی است که در کشورهای جهان نگاه کلان به آن دارند. تعاریف و مکاتب مختلفی از آن وجود دارد و امثال این مباحث را هم بحث کرده‌ایم.

”حقوق عمومی به عنوان یک دانش کلان و یکی از زیرشاخه‌های علوم اجتماعی در فضای دانشگاهی کلان حقوقی کشور است و از بعد کلان و عمومی به معنای عام یکسری مسائل عمومی هر کشور و هر جامعه و هر نظام حقوقی را پاسخ می‌دهد.“

کتاب «حقوق عمومی دانش نظام‌ساز» نوشته دکتر «علی ربیع‌زاده» و با مقدمه «آیت‌الله کعبی» تلاش دارد از ابعاد جدیدی علاوه بر مبانی، نظریات رایج در حقوق عمومی را مورد کاوش قرار دهد و از دریچه معارف اسلامی و در تناسب با اقتضات انقلاب اسلامی زوایای جدیدی را تشریح نماید. این کتاب به دنبال آن است تا دانش حقوق عمومی را به عنوان یک دانش نظام‌ساز معرفی کرده و از این راستا آن را به خدمت فلسفه پشتیبان انقلاب اسلامی در دولت-ملت‌سازی و نظام‌سازی مطلوب جمهوری اسلامی ایران درآورد. به همین مناسبت در گفت‌وگویی با مؤلف این کتاب سؤالاتی را درباره جزئیات و نحوه تألیف این کتاب مطرح کرده‌ایم که در ادامه مشروح آن خواهد آمد:

پژوهشکده تحقیقات راهبردی: لطفاً در ابتدا درباره کلیت کتاب، فصل‌ها و مباحثی که مطرح شده است توضیحاتی ارائه بفرمایید و در واقع نمایی کلی از کتاب به مخاطبین ارائه دهید.

عنوان کتاب را حقوق عمومی دانش نظام‌ساز و عنوان فرعی آن را «چالش‌ها و راهکارهای نظریه تحول در حقوق عمومی ایران» گذاشتیم. ما در ابتدای کتاب مقدمه مختصری را درباره جایگاه علوم انسانی و علوم اجتماعی گفته و بحث و ضرورت طرح تحول در علوم انسانی را به صورت مختصر مطرح کرده‌ایم. در فصل دوم کتاب به موانع و چالش‌هایی که در حال حاضر در حوزه حقوق عمومی در ایران وجود دارد پرداخته‌ایم. در ادامه تحلیلی از یکسری موضوعات ایجابی در حوزه حقوق عمومی داشتیم و فصل پایانی کتاب رابطه حقوق عمومی را با نظام‌سازی حقوقی بررسی کرده‌ایم و اینکه اگر حقوق عمومی بخواهد به جایگاه خود برسد، ملزومات و چه الزاماتی دارد و ناظر به این فضا نکاتی را داخل کتاب مطرح کرده‌ایم.

پژوهشکده تحقیقات راهبردی: چه انگیزه‌ها و دغدغه‌هایی باعث شد که شما این کتاب را تألیف کنید؟ در واقع چه نقص‌ها و خلأهایی در نظام حقوقی کشور وجود داشت که شما را به جمع‌بندی رسیدید لازم است